

# زیارت و امامت

محمد محمدی ری شهری



## قبر ائمه علیهم السلام

یکی از مسائل بسیار مهم و قابل بررسی در ارتباط با موضوع زیارت، پیدا کردن راز آن همه تأکید و توصیه اهل بیت علیهم السلام به زیارت این خاندان بزرگوار است. وقتی سخنان اهل بیت علیهم السلام را در مورد ترغیب و تشویق به زیارت قبور خاندان رسالت، مرور می‌کنیم، با انبوهی از روایاتی روبه‌رو می‌شویم که در نگاه اول و در نگاه سطحی، قدری اغراق آمیز به نظر می‌رسند؛ ولی این روایات در منابع معتبر ما آمده، بسیاری از آنها از نظر سند هم صحیح می‌باشند. در این جا به روایاتی اشاره می‌کنیم که حج و زیارت اهل بیت علیهم السلام را با هم مقایسه کرده، تا ببینیم رمز این همه تأکید و تصریح به

زیارت اهل بیت علیهم السلام، آن هم در مقایسه با حج، چیست و این روایات، چه پیامی برای پیروان اهل بیت علیهم السلام و پیروان قرآن دارند.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال:

من زار امیرالمؤمنین علیه السلام ماشیاً کتب الله له بكلّ خطوة حجّة و عمرة، فان رجع ماشیاً کتب له بكلّ خطوة حجّتان و عمرتان؛ کسی که امیرالمؤمنین را با پای پیاده زیارت کند، خداوند متعال برای او برای هر قدمی که برداشته، ثواب یک حج و یک عمره می نویسد و اگر پیاده بر گردد، خداوند برای هر قدمی، ثواب دو حج و دو عمره ثبت می کند.

### اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام

روایات زیادی درباره زیارت سیدالشهداء علیه السلام نقل شده که در بخش زیارت کتاب دانشنامه امام حسین علیه السلام گردآوری شده اند. در این جا، نمونه ای از این روایات را نقل می کنیم:

۱. قال الامام الصادق علیه السلام:

«من أتى قبر الحسين علیه السلام کتب الله له حجّة و عمرة؛ کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بیاید، خداوند متعال برای او یک حج و یک عمره می نویسد».

۲. قال الامام الصادق علیه السلام:

ایما مؤمن زار الحسين بن علی علیه السلام عارفاً بحقه فی غیر یوم عید، کتب له عشرون حجّة و عشرون عمرة مبرورات متقبّلات، و عشرون غزوة مع نبی مرسل او امام عادل؛ هر مؤمنی قبر امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید، عارفانه و با شناخت حق او، زیارت کند، برای او ثواب بیست حج و بیست عمره نیکو و قبول شده و بیست جنگ همراه با پیامبر و امام عادل، نوشته می شود.

۳. «عن الامام الصادق علیه السلام قال:

کان الحسين بن علی علیه السلام ذات یوم فی حجر رسول الله صلی الله علیه و آله یلاعبه و یضحک، فقالت عائشة یا رسول الله ما اشدّ اعجابک بهذا الصبی! فقال لها: و یلک و کیف لا احبه و لا اعجب به و هو ثمره فؤادی، و قرّة عینی، اما انّ امتی ستقتله، فمن زاره بعد وفاته کتب الله له حجّة من حججی. قالت: یا رسول الله حجّة من حججک؟! قال: نعم، حجّتين من حججی. قالت یا رسول الله

حجتین من حججک؟ قال نعم و اربعه. قال فلم تزل تزاده و یزید و یضعف حتی بلغ تسعین حجة من حجج رسول الله ﷺ باعمارها؛<sup>۲</sup> روزی حسین بن علی علیه السلام در دامن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که آن حضرت با او شوخی می کرد و او را می خنداند. عایشه گفت: ای رسول خدا! چقدر از این کودک شگفت زده هستی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر تو! چرا او را دوست نداشته باشم و از او شگفت زده نباشم؛ در صورتی که میوه دلم و نور چشم من است و آگاه باش که امت من، او را به زودی می کشند؛ پس هر کس که او را زیارت کند، خداوند برای او ثواب حجی از حج های مرا می نویسد. عایشه گفت: ثواب حجی از حج های شما؟ پیامبر فرمود: بله، بلکه ثواب دو حج از حج های من. عایشه دوباره گفت: ثواب دو حج؟ پیامبر فرمود: بله و ثواب چهار حج. امام ششم علیه السلام فرمود: مرتب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر این تعداد می افزود و می افزود تا رسید به نود حج، از حج های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

## اهمیت زیارت امام رضا علیه السلام

موسی بن جعفر علیه السلام قال:

من زار قبر ولدی کان له عندالله سبعین حجة مبرورة. قلت: سبعین حجة؟ قال: نعم و سبعین الف حجة. قلت و سبعین الف حجة؟ قال نعم و رب حج لا تقبل و من زاره و بات عنده ليلة کان کمن زار الله فی عرشه؛ کسی که قبر فرزندانم (امام رضا) را زیارت کند، برای او پیش خدا ثواب هفتاد حج نیکو خواهد بود.

یحیی بن سلیمان مازنی می گوید:

به امام گفتم: هفتاد حج؟! امام فرمود: بله و هفتصد حج. گفتم: ثواب هفتصد حج؟ فرمود: بله و هفتاد هزار حج. گفتم: هفتاد هزار حج؟ فرمود: بله و چه بسا حجی که پذیرفته نمی شود و کسی که او را زیارت کند و یک شب کنار قبر آن حضرت بخوابد، همانند کسی است که خدا را در عرش او زیارت کند....

در بخش قابل توجهی از روایات آمده است که ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل حج و عمره مستحبی است. در برخی از روایات دیگر آمده که ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام مخصوص کسی است که موفق نشده در آن سال به حج مشرف شود؛ ولی روایات بسیار زیادی که سندشان هم معتبر است، زیارت سیدالشهدا را به طور مطلق و کلی، بالاتر از حج و عمره، بلکه معادل هزار حج و عمره، دانسته است.

### مقایسه زیارت ائمه علیهم السلام با حج

در بخش قابل توجهی از این روایات آمده است که ثواب زیارت امام حسین علیه السلام، معادل حج و عمره مستحبی است. در برخی از این روایات دیگر آمده که ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام، مخصوص کسی است که موفق نشده در آن سال به حج مشرف شود؛ ولی روایات بسیار زیادی که سندشان هم معتبر است، زیارت سیدالشهدا را به طور مطلق و کلی، بالاتر از حج و عمره، بلکه معادل هزار حج و عمره، دانسته است که تعدادی از آنها ذکر می شود.

عن الصادق علیه السلام قال:

من زارالحسین علیه السلام یوم عرفة عارفاً بحقه، كتب الله له ألف حجة مقبولة و ألف عمرة مبرورة؛<sup>۵</sup> کسی که امام حسین علیه السلام را در روز عرفة با شناخت حق او زیارت کند، خداوند متعال ثواب هزار حج مقبول و هزار حج نیکو برای او می نویسد.

قال الصادق علیه السلام لرفاعه و قد أخبره أنه زار الحسين علیه السلام یوم عرفة اخبرني ابي قال:

من خرج الى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه، غير مستكبر صحبه الف ملك عن يمينه و الف ملك عن يساره و كتب له الف حجة و الف عمرة مع نبي او وصی نبي؛<sup>۶</sup>

امام ششم به رفاعه که قبر امام حسین علیه السلام را روز عرفة زیارت کرده



بود، خبر داد که پدرم - امام باقر علیه السلام - فرمود: کسی با شناخت حق امام حسین علیه السلام، برای زیارت به سوی قبر مطهر آن امام بیرون رود، هزار فرشته در طرف راست او و هزار فرشته در طرف چپ او، او را همراهی کرده، برای او ثواب هزار حج و هزار عمره‌ای که همراه پیامبری یا جانشین پیامبری انجام شوند، نوشته می‌شود.

از این نکته که بگذریم، روایتی است که مرحوم شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در آن آمده است:

من زار واحداً منا کان کمن زار الحسین علیه السلام؛<sup>۷</sup> تمام آن ثواب‌هایی که برای زیارت امام حسین علیه السلام گفتیم، برای سایر اهل بیت علیهم السلام نیز هست.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود:

من زارنی او زار احداً من ذریتی، زرته یوم القيامة فانقذله من احوالها؛<sup>۸</sup> کسی که مرا یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، من هم روز قیامت او را دیدار می‌کنم و از هول و هراس‌های آن روز نجاتش می‌دهم.

از امام صادق علیه السلام نیز چنین نقل شده است:

قال الحسین علیه السلام صلوات الله علیه لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما جزاء من زارک؟ فقال یا بنی من زارنی حياً او میتاً او زار أخاک او زارک کان حقاً علیّ ان ازوره یوم القيامة حتی اخلقه من ذنوبه؛<sup>۹</sup> امام حسین علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ فرمود: ای فرزندم! کسی که مرا در زمانی که زنده هستم یا مرده‌ام، زیارت کند یا برادر تو را یا خود تو را زیارت کند، بر من لازم است که روز قیامت او را دیدار کنم؛ تا این که او را از گناهانش رهایی بخشم.

امام رضا علیه السلام فرمود:

من زار قبر ابی بگداد کمن زار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و قبر امیر المؤمنین علیه السلام  
الآن لرسول الله صلی الله علیه و آله و لأمیر المؤمنین علیه السلام فضلهما؛<sup>۱۰</sup>  
کسی که قبر پدرم - موسی بن جعفر علیه السلام - را در بغداد زیارت کند،  
همانند کسی است که قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امیر المؤمنین علیه السلام  
را زیارت کرده است، جز این که فضل و برتری رسول خدا و امیر  
المؤمنین که درود خدا بر آنان باد، جای خود دارد.

بدون تردید، موضوع سنجش در روایات زیارت، سنجش حج  
واجب و زیارت مستحب نیست و منظور این نیست کسی که  
حج برایش واجب و مستطیع است، حجش را ترک کند و به  
جای آن، به زیارت قبور یکی از اهل بیت علیهم السلام برود؛ بلکه مقایسه  
میان زیارت مستحب و حج مستحب است و به این مطلب در  
بعضی از روایات، تصریح شده که بعد از حجة الاسلام و بعد  
از حج تمتع، ثواب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، ثوابش بیشتر از  
حج مستحب است.

دلالت التزامی اینها این است که زیارت سایر اهل بیت علیهم السلام هم ثوابش از حج بیشتر و  
بلکه معادل هزار حج است. از این مهم تر، برخی از روایات تصریح می کنند که ثواب  
زیارت امام رضا علیه السلام، معادل یک میلیون حج است که احمد بن محمد بن ابی نصر  
بزنی برایش خیلی تعجب آور بوده که چگونه می شود زیارت یک امام، معادل یک  
میلیون حج و ثوابش بیش از ثواب زیارت امام حسین علیه السلام باشد.

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی می گوید در یک نوشته ای از امام رضا علیه السلام، دیدم  
که حضرت فرمود:

أبلغ شیعی أن زیارتي عند الله تعدل ألف حجة و ألف عمرة متقبلة کلها؛  
به شیعیان و پیروان من بگو که زیارت من، ثواب هزار حج و هزار  
عمره مقبوله دارد؛

سپس می گوید:

با امام جواد علیه السلام این موضوع را در میان گذاشتم که چطور می شود ثواب زیارت پدر بزرگوار شما، معادل هزار حج و هزار عمره باشد؟ گویا می خواسته سؤال بکند آیا این روایت، صحیح است و نوشته، نوشته پدر شماست؟ امام جواد علیه السلام پاسخ داد:

ای والله و ألف حجة لمن زاره عارفاً بحقه؛<sup>۱</sup> بلی، به خدا سوگند! معادل یک میلیون حج است؛ برای کسی که پدرم را عارفاً بحقه زیارت کند.

این روایت نشان می دهد که عدد در این جا مفهوم ندارد. همچنین درباره سایر روایاتی که اختلاف در عدد دارند، باید گفت که در آنها عدد مفهوم ندارد و به معنای مطلق کثرت است و این روایت هم مؤید همین معناست و در واقع، امام علیه السلام می خواهد بگوید که اصلاً قابل مقایسه نیست.

این را هم عرض کنم که شبیه این تردید را علی بن مهزیار هم در این روایت داشته است. او می گوید: من با امام جواد علیه السلام این مسئله را در میان گذاشتم که چگونه می شود ثواب زیارت پدر شما از ثواب زیارت امام حسین علیه السلام بیشتر باشد؟ حضرت فرمود:

زيارة أبي أفضل و ذلك أن أبا عبد الله يزوره كل الناس و ان أبي لا يزوره إلا الخواص من شيعته<sup>۲</sup>؛ علتش این است که امام حسین علیه السلام را همه زیارت می کنند؛ ولی پدرم را فقط خواص از شیعه [کسانی که شیعه دوازده امامی هستند] زیارت می کنند.

این نشان می دهد که شرایط سیاسی - اجتماعی در این که ثواب زیارت کدام امام بیشتر است، دخالت دارند.

### پیام روایات و تحلیل آنها

برای فهم دقیق این روایات، چند نکته زیر قابل توجه است:

۱. بدون تردید، موضوع سنجش در این روایات، سنجش حج واجب و زیارت مستحب نیست و منظور این نیست کسی که حج برایش واجب و مستطیع است، حجش را ترک کند و به جای آن، به زیارت قبور یکی از اهل بیت علیهم السلام برود؛ بلکه مقایسه میان زیارت مستحب و حج

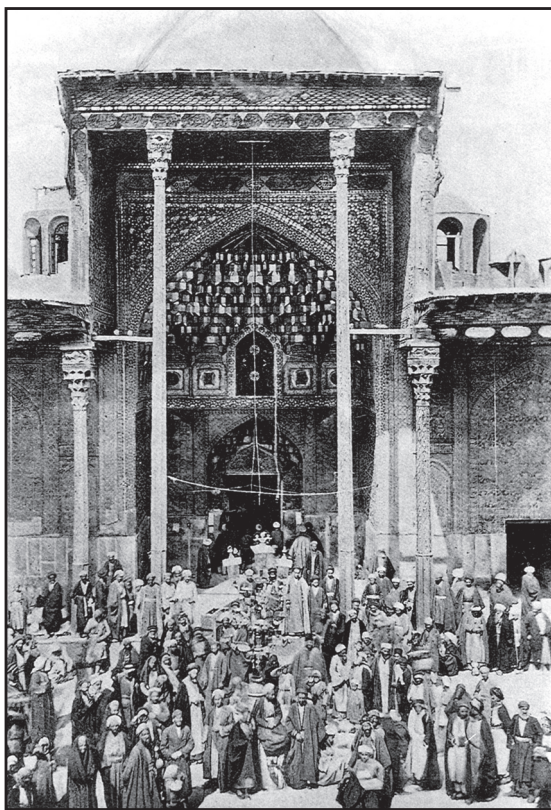
مستحب است و به این مطلب در بعضی از روایات، تصریح شده که بعد از حجة الاسلام و بعد از حج تمتع، ثواب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، ثوابش بیشتر از حج مستحب است. به روایت ذیل توجه کنید:

عن محمد بن سلیمان قال سألت ابا جعفر علیه السلام عن رجل حج حجة الاسلام فدخل متمتعاً بالعمرة الى الحج فأعانه الله على عمرته و حجه ثم اتى المدينة فسلم على النبي صلى الله عليه وآله ثم اتاك عارفا بحقك يعلم أنك حجة الله على خلقه و باب الذى يؤتى منه فسلم عليك ثم اتى ابا عبد الله الحسين علیه السلام ثم اتى بغداد و سلم على ابى الحسن موسى علیه السلام ثم انصرف الى بلاده، فلما كان فى وقت الحج رزقه الله الحج فأيهما افضل هذا الذى قد حج حجة الاسلام يرجع ايضاً فيحج او يخرج الى خراسان الى ابىك على بن موسى علیه السلام فسلم عليه؟ قال: [لا] بل ياتى خراسان فيسلم على ابى الحسن علیه السلام افضل و ليكن ذلك فى رجب و...<sup>۱۳</sup>

محمد بن سلیمان گوید: از امام جواد علیه السلام در مورد مردی سؤال کردم که موفق به انجام حجة الاسلام شده است؛ او نیت عمره تمتع و حج تمتع کرد و خداوند هم او را کمک کرد و عمره و حج را انجام داد و سپس به مدینه آمد - و موفق به زیارت پیامبر صلى الله عليه وآله شد - و به آن حضرت سلام کرد و سپس در حالی که عارف به حق شما بود و می دانست تو حجت خدا بر خلق او هستی و بابی هستی که از آن باید وارد شد، خدمت شما آمد و به شما سلام کرد؛ سپس به زیارت امام حسین علیه السلام رفت و بعد به بغداد آمد و سلام بر امام هفتم کرد و سپس به شهر خود برگشت و سال بعد که ایام حج شد، خداوند هزینه حج را روزی او کرد؛ ایام انجام حج الآن - دوباره - برای او بهتر است یا این که بهتر است به خراسان برود و پدر شما علی بن موسى الرضا علیه السلام را زیارت و بر او سلام کند؟ امام فرمود: نه، بهتر است به خراسان بیاید و سلام به ابى الحسن علیه السلام بکند که افضل است و این زیارت هم در ماه رجب باشد.

۲. این روایات، نخستین پیامشان این است که می خواهند به امور مهم و سرنوشت ساز اجتماعی جامعه اسلامی، توجه دهند و مقصود این نیست که از اهمیت حج بکاهند؛ زیرا

اگر حج اهمیت نداشته باشد، معیار قرار دادن آن، مناسبتی ندارد و این که زیارت اهل بیت علیهم السلام را با حج مقایسه می کنند، نشانه این است که حج، مهم است؛ ولی زیارت اهل بیت علیهم السلام در شرایط خاصی، مهم تر است و این موضوع، اختصاص به زیارت اهل بیت علیهم السلام هم ندارد. در روایاتی نقل شده که اصلاح میان زن و شوهر یا صبر در مصائب، پاداش هزار شهید را دارد. این روایات، نمی خواهند که مردم را از جبهه رفتن و جهاد و رزم باز دارند؛ بلکه می خواهند بگویند که این، کار مهمی است و در جایی که نیازی به جبهه نیست، این کار، ثوابش از جبهه رفتن بیشتر است؛ نه این که در جایی که جامعه اسلامی به جهاد و مجاهد نیاز دارد، مردم جبهه ها را خالی بگذارند؛ تا دشمن وارد خاک کشور اسلامی بشود و بعد بگویند که نمی خواهد بروی جبهه؛ بیا برو میان زن و شوهر را اصلاح کن؛ چون این، ثوابش بیشتر است. این روایات در واقع، می خواهند اهمیت پیشگیری از



کربلا / ایوان حرم حسینی

متلاشی شدن یک خانواده را بیان کنند و به بیان روشن تر، از آن جا که اهمیت حج و اهمیت شهادت در راه خدا، بین مسلمانان معلوم است، پیشوایان اسلام برای توجه دادن مسلمانان به ارزش و اهمیت مسائل مهم اجتماعی که نقشی اساسی در سازندگی جامعه دارند، آنها را با حج و جهاد مقایسه می کنند و به کسانی که در کنار وظایف واجب خودشان، به این مسائل می پردازند، مژده می دهند که ثواب شما، بیشتر است و خداوند از فضل خودش، پاداشی به شما عنایت می کند که قابل مقایسه با حج مستحبی و عمره مستحبی نیست و اگر کسی می خواهد عمره مستحبی انجام بدهد یا حج مستحبی انجام بدهد، بهتر است برای یک خانواده بیچاره ای، خانه بخرد یا برای ازدواج یک جوان، اقدام کند. بنابراین، علت مضاعف بودن پاداش در اموری که به آنها اشاره شد، این است که از یک سو ملاک و جوب در اینها نیست تا شارع واجب بکند و از سوی دیگر، برای ساختن جامعه مطلوب اسلامی، ضرورت دارد که این کار انجام شود. از این رو، برای بیان اهمیت این کار و برای این که مردم خیال نکنند که همه ثوابها در حج و عمره خلاصه می شوند، مردم به این سلسله امور، تشویق شده اند.

۳. اصلی ترین نکته این است که مهم ترین نقش سیاسی - اجتماعی زیارت اهل بیت علیهم السلام در همین موضوع خلاصه می شود. روایاتی که تأکید می کنند زیارت امام حسین علیه السلام برتر از حج است یا زیارت اهل بیت علیهم السلام مثل زیارت امام حسین علیه السلام است، یعنی ثواب آن هم بیش از حج است و روایتی که می گوید زیارت امام رضا علیه السلام معادل یک میلیون حج است، در شرایط سیاسی - اجتماعی، این مسئله تفاوت دارد و در واقع، همه این روایات می خواهند جامعه را به این مسئله توجه بدهند که روح همه عبادات - که حج جامع ترین آنهاست - حاکمیت نظام اسلامی است و این روایات، بیان می کنند که حاکمیت نظام مبتنی بر آرمانهای توحیدی، با رهبری امام عادل تحقق می یابد و این، روح همه عبادات است؛ زیرا در سایه حاکمیت اهل بیت است که همه ارزشها در جامعه تحقق می یابند. کلینی در کافی از امام رضا علیه السلام چنین نقل می کند:

«إِنَّ الإِمَامَةَ أَسَاسُ الإِسْلَامِ؛<sup>۱۴</sup> اساس اسلام، امامت و رهبری است».

این روایات، بیان می کنند که رهبری امام عادل و اهل بیت علیهم السلام که جلوه کامل حاکمیت

توحید هستند، روح و جوهر حقیقی حج است و حجی با حقیقت همراه است که در سایه رهبری امام عادل باشد. حجی همراه با حقیقت است که با حاکمیت امام عادل در جامعه، همراه باشد؛ اما آن حجی که در حاکمیت طاغوت انجام می‌شود، در واقع، ظاهر حج است. سراسر حج، لیبیک گویی به خدای واحد و برائت از مشرکین است. بنابراین، جامعه‌ای که بنای مبارزه با شرک و کفر و سردمداران شرک و کفر را ندارد، در آن جامعه، حج واقعیت پیدا نمی‌کند. حجی که با نظام توحیدی و امامت پیوند نخورد، در واقع، با حقیقت خودش پیوند نخورده، بلکه حج جاهلیت است. در روایتی چنین آمده است:

امام باقر علیه السلام مردمی را دید که [با ولایت و امامت پیوند ندارند] دور کعبه می‌گردند؛ فرمود: هكذا یطوفون فی الجاهلیة؛ در جاهلیت هم همین طور طواف می‌کردند. این در زمان امام باقر علیه السلام بود که امام می‌فرماید: این حجی که با امامت پیوند ندارد، حج جاهلیت است و بعد حضرت می‌فرماید:

إنما أمروا ان یطوفوا بها ثم ینفروا الینا فیعلمونا ولایتنا مودتهم و یعرضوا علینا نصرتهم؛<sup>۱۵</sup> اصلاً آمدن این حج، برای این است که بیایند این جا و طواف کنند و بعد بیایند مودت خودشان را به ما عرضه کنند و برای این است که یاری خودشان را به ما و برای برپایی حکومت اسلامی، اعلام بکنند.

امام علیه السلام در روایت دیگری می‌فرماید:

تمام الحج لقاء الإمام؛<sup>۱۶</sup> آن حجی کامل است که همراه با دیدار امام باشد و با امامت، پیوند بخورد.

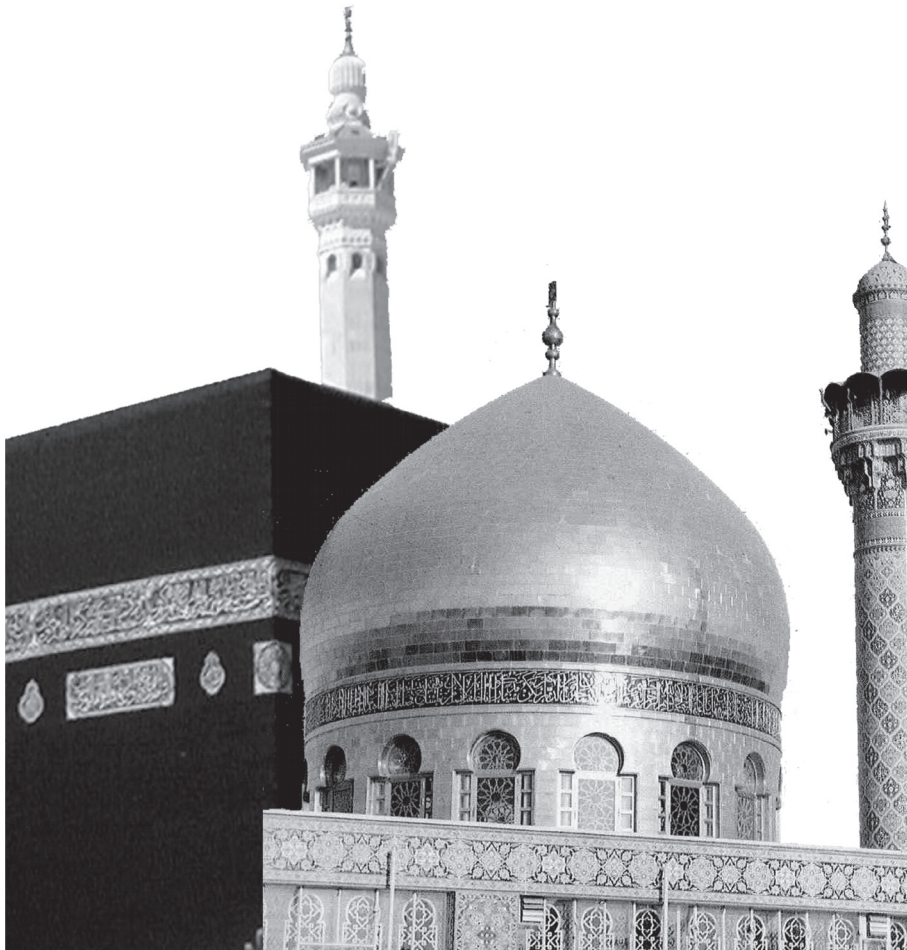
از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

إذا حج احدکم فالیختم حجّه بزیرتنا لان ذلك من تمام الحج.<sup>۱۷</sup>

اینها در واقع، همه به یک نکته اساسی اشاره می‌کنند. این روایات به روشنی نشان می‌دهند که ولایت اهل بیت علیهم السلام، روح حج و حقیقت حج است و حج بدون پیوند با رهبری امام عادل و برائت از سران شرک حاکم در جامعه، حج واقعی نیست.

## رابطه زیارت ائمه علیهم السلام با حج

با در نظر گرفتن نکات قبل، این راز گشوده می‌شود که آن همه فضیلتی که برای زیارت امام حسین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام نقل شده، برای این است که عبادات و در رأس همه، حج، با روح ائمه علیهم السلام پیوند داده شوند. وقتی گفته می‌شود که زیارت امام رضا علیه السلام، با یک میلیون حج مستحبی برابر است، یعنی تا ولایت اهل بیت نباشد، حج که جامع ترین عبادات است، مفهوم و معنا ندارد و در واقع، همه این عبادات می‌خواهند مسلمانان را برای حکومت جهانی اسلام، به رهبری مهدی آل محمد علیهم السلام آماده کنند. پس مهم ترین پیام سیاسی تأکید بر زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، زمینه سازی برای حکومت اهل بیت علیهم السلام است و این پیام، از زیارت همه حرم‌های مربوط به اهل بیت علیهم السلام، قابل استنباط و استشمام است و به این دلیل، زیارت هر امامی که این محتوا را بیشتر برساند، فضیلت بیشتری دارد. آن زیارتی که



در روایات، تأکید بیشتری روی زیارت سیدالشهدا علیه السلام شده است و به همین دلیل است که این زیارت، تأثیر بیشتری دارد؛ البته در بعضی از اعصار و در بعضی شرایط سیاسی - اجتماعی، ممکن است این پیام در زیارت یکی دیگر از امامان، نمود بیشتری داشته باشد.

مردم را برای تشکیل حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام بیشتر آماده کند و برای زمینه سازی حکومت جهانی اسلام، مناسب تر باشد، آن زیارت، ارزشش بیشتر است. از این رو، در روایات، تأکید بیشتری روی زیارت سیدالشهدا علیه السلام شده است و به همین دلیل است که این زیارت، تأثیر بیشتری دارد؛ البته در بعضی از اعصار و در بعضی شرایط سیاسی - اجتماعی، ممکن است این پیام در زیارت یکی دیگر از امامان، نمود بیشتری داشته باشد؛ همان طور که در زیارت امام رضا علیه السلام بیان شده؛ اما به طور مطلق، در طول تاریخ، تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام، پیامی که زیارت سیدالشهدا علیه السلام برای تشکیل حکومت اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام دارد، از همه امامان، قوی تر است و به همین جهت، تأکید بیشتری روی زیارت سیدالشهدا شده است.

#### پی نوشت:

۱. صدوق، ثواب الاعمال و عقابها، مکتبه الحیدریه، ج ۱۰۰، ص ۱۲۳، ح ۳۱.
۲. ثواب الاعمال، ص ۳۲۶، ح ۱.
۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۶۸؛ ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۲۸.
۴. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۳، ص ۵۱۹.
۵. شیخ طوسی، مصباح المتجهد، ص ۷۱۵؛ ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۳۳، ح ۷.
۶. مصباح المتجهد، ص ۷۱۶، ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۳۳، ح ۸.
۷. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۲۶.
۸. کامل الزیارات، ص ۱۱، ح ۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۳، ح ۳۱.
۹. کامل الزیارات، ص ۱۱، ح ۲.
۱۰. کافی، ج ۲، ص ۵۸۳، ح ۱.
۱۱. طوسی، التهذیب، ج ۶، ص ۸۵، ح ۶؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۵۸، ح ۲.
۱۲. التهذیب، ج ۶، ص ۸۴، ح ۱.
۱۳. کافی، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۲.
۱۴. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱.
۱۵. همان، ص ۳۹۲، ح ۱.
۱۶. همان، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۲.
۱۷. صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱.